

پنج کتابشناس بزرگ ایرانی

محمد رضا صافیان

کارشناس ارشد ادبیات، پژوهشگر (کتابشناسی و اصفهان‌شناسی)

مقدمه

فهرست‌نگاران (کتابشناسان، دانشنامه‌نویسان، فرهنگ‌نویسان) اهالی کوی اطلاعات و دانش‌های گونه‌گون بشری‌اند. این‌گونه دانشمندان کار را برای اهل دانش در انواع و اقسام به رشته‌ها و علوم، آسان می‌سازند. مطالعات ضمنی و پیشین فهرست‌نگاران موجب می‌شود که افراد اهل تفکر در حوزه علوم انسانی، پزشکی، علوم پایه و مصححین و زبان‌شناسان، زبان‌دانان و... پژوهشگران فرصت‌های خود را صرف پیشبرد تحقیقات اصلی کنند و از تفکر به موجب دستیابی به مطالب مایه‌های تحقیق باز نمانند.

در این پیشگفتار لازم است چند دانشمند بزرگ را که اولین‌های پژوهش‌های مقدماتی یعنی فهرست‌نگاری بوده‌اند، به اجمال معرفی کنم:

۱- محسن صبا (۱۳۷۱-۱۲۸۵) پایه‌گذار کتابداری نوین در ایران، فهرست‌نویس، روزنامه‌نگار، مترجم، نویسنده، استاد دانشگاه؛ او آثاری به این شرح پدید آورده است: الف- *اصول بایگانی*، تهران، ۱۳۸۴، انتشارات دانشگاه تهران، ب- *اصول آمار کلیات آمار اقتصادی*، ج- *اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی* د- *گل‌های حافظ*، ه- *یکی بود یکی نبود*، و- *دو گفتار تهران*، آوانوشت، بی‌تا، ز- وی در روزنامه‌های *شفق سرخ*، *نوبهار*، *عصر اقتصاد*، *کیهان*، مقالات متعددی نوشته است.

۲- پوراندخت سلطانی شیرازی (۱۳۹۴-۱۳۱۰) از پایه‌گذاران علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران و مادر کتابداری نوین است. او کتابدار، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه و فرهنگ‌پژوهش بود و در زمینه خدمات فنی کتاب *سرعنوان‌های موضوعی فارسی هنر عشق ورزیدن* کارهای اساسی

انجام داد. پوراندخت سلطانی طی پنجاه سال کار مستمر تأثیر بسزایی بر فعالیت و شکل‌گیری کتابخانه ملی ایران داشته است.

۳- دکتر عباس حُرّی (۱۳۹۲-۱۳۱۵) دانشمند علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و استاد دانشگاه تهران و طراح نظریه اطلاع‌شناسی. او سردبیر، مدیر مسؤول و عضو هیأت تحریر چندین مجله علمی بود از جمله در مجله *اطلاعات‌شناسی* نیز فعالیت داشت.

۴- دکتر هوشنگ ابرامی (۱۳۸۲-۱۳۱۳) که پایه‌گذار کتابخانه تخصصی بانک ملی بود و چندی ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز را به عهده داشت. آثار او عبارت‌اند از: الف- ترجمه کتاب *جنبه‌های نظری علمی کتابداری* از پیرس باتلر، ب- *اصول تدوین فهرست موضوعی در نوشته‌های فارسی*، ج- *شناختی از دانش‌شناسی*، د- *کتاب و پدیده کم‌رشدی*، ه- *ستارخان سردار ملی*، تهران انتشارات سال ۱۳۵۲، چاپ دوم لس‌آنجلس، انتشارات نیما ۱۹۸۶، چاپ سوم، تهران انتشارات توس ۱۳۷۹. در سال ۲۰۰۶ همسرش آثار او را در زیر عنوان *راز آوارگی* به چاپ رسانید.

علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی رابطه مستقیم با حوزه‌های تخصصی پژوهشی‌های علوم گوناگون دارد. این علم بسیار مهم (کتابداری- خدمات مربوط به کتاب و اطلاع‌رسانی) در حقیقت زمینه‌ساز پژوهش‌های فراوان در علوم مختلف است.

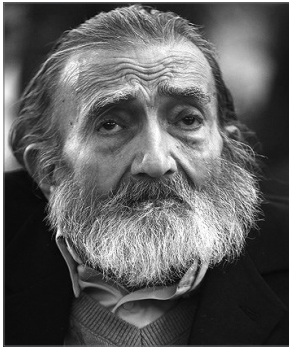
کتابشناسی‌ها، فهرست‌واره‌هایی است که در یک علم و رشته خاص منابع و مآخذ را معرفی می‌کند. کتابشناسی‌ها مادر و مولّد تحقیقات و پژوهش‌های علوم گوناگون است. اطلاع از وجود یک منبع مؤثر و مفید نیازمند گشت و گذار فراوان و مستمر در محل‌های نگهداری کتاب‌ها است. اطلاع از غنی بودن کتابخانه‌ها خود حدیثی است مفصل که تا قدم برداری و مراجعه نکنی و ساعت‌ها وقت نگذاری نمی‌شود احاطه‌ای یافت. تهیه فهرست‌های مرجع (کتب مرجع) فنی است که از اصول خاص خود پیروی می‌کند و در علم فهرست‌نگاری جایگاهی بس رفیع دارد، این فهرست‌ها خودشان هم در ردیف دیوبی و... مرجع به حساب می‌آیند. فهرست‌نگاری کاری طاقت‌فرسا و زمانبر است. هر چند گاهی زیاد به چشم نمی‌آید و سالها تلاش، سفر و دقت حاصلش می‌شود یک مجموعه حداکثر هزار صفحه‌ای که از قوانین خاص پیروی می‌کند که در محدود کردن (تعیین حدود کار) مؤثر است و این حد و حدود پیشرفت کار را کند می‌کند، در عین حال بجز دقت و پشتکار باید دو خصلت دیگر در فهرست‌نگار وجود داشته باشد که خود زاییده حقیقت دیگری است، اول: فهرست‌نگار باید مطلع باشد که چه منبعی در کجا وجود دارد و چه کسی آن را نگاشته است و دوم اینکه این اطلاعات در چه محلی دسته‌بندی می‌شود و چگونه می‌توان آن را اطلاع‌رسانی کرد، در چه فهرستی باید آن را طبقه‌بندی کرد و قرار داد. این دو امر مهم خود زاییده دو حقیقت برتر است و آن داشتن علم و دانایی و مطالعات گسترده در حوزه علوم مورد

نظر پژوهشگر فهرست‌نگار. فهرست‌نگار پازل فهرست خود را از ابتدا به صورت دقیق ترسیم کرده است و با جست‌وجو فقط این پازل را پر می‌کند و از قضا این حرکت هرگز حالت قالبی ندارد و به صورتی کاملاً پویا و علمی و دقیق است.

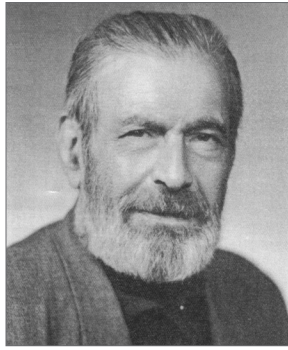
اگر محقق علمی بخواهد پژوهشی را شروع کند هرگز بدون اطلاع از منابع نمی‌تواند کاری ژرف و عمیق انجام دهد. گاهی اطلاع از فهرست‌های منابع راهنما خود مرحله بالاتر از اطلاع از چند منبع خاص است. اگر می‌بینیم که پژوهشگری برای یک تحقیق تا دویست‌وهشتاد منبع معرفی می‌کند، او از فهرست منابع راهنما اطلاعات دارد، فهرستی که در خود حاوی فهرستی از مراجع و منابع یک موضوع است، فهرست نسخه‌های خطی نیز نوعی از فهرست‌هایی است که طبقه‌بندی مدخل‌های آن از همین نوع پیچیدگی‌ها برخوردار است. وقتی که نگارنده فهرست، موضوعی را بسیار کلی انتخاب می‌کند و از این انتخاب ناگزیر است، طبقه‌بندی در این‌گونه فهرست‌ها ناگزیر دشوار و گاهی پیچیده است همچون فهرست *الذریعه* و یا *الفهرست ابن‌ندیم* و یا *فهرست دانشمندان و رجال*، (موضوعات کلی و حجیم). نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که کتابشناس بودن مقدم بر فهرست‌نگاری است و گاهی کتابشناس، با همه اطلاعات و آگاهی‌های فراوانی که دارد، دست به نگارش آن نمی‌زند. این نوع پژوهشگران بیشتر به صورت شفاهی اطلاعات خود را در اختیار پژوهشگران می‌گذارند که جای بسی افسوس و گله‌مندی دارد. پنج کتابشناس بزرگ عصر ما عبارت‌اند از: ۱- شیخ محمد محسن آقا بزرگ طهرانی پدر دو کتابشناس و فرصت‌نگار بزرگ علی منزوی و احمد منزوی است؛ ۲- جلال‌الدین همایی؛ ۳- عبدالحسین حائری؛ ۴- ایرج افشار؛ ۵- جمشید سروشیار (مظاهری)

۱- علامه شیخ محمد حسن آقا بزرگ طهرانی

آثار این علامه بزرگ شهادت می‌دهد که او در فهرست‌نگاری بسیار متبحر بوده و اطلاعات وسیعی داشته است. علامه علاوه بر کثرت اطلاعات از حوزه علوم شیعی و کتاب‌های موجود در رشته‌های مختلف و گسترده، اصولی را در نگاره‌هایی مقرر فرموده‌اند که به غنای کار بسیار کمک کرده است؛ از قبیل: تهیه فهرست‌نگاشته‌هایی چون فهرست نام نویسندگان، فهرست موضوعی، فهرست الفبایی، فرصت تاریخی، فهرست عددی، موضوع الذریعه، منابع و مصادر، اصطلاحات الذریعه (نام‌های مرکب، واژه رجال، واژه استشراق، مستدرک الذریعه). همچنین اثر مهم دیگری که نشان‌دهنده وسعت اطلاع و تبحر استاد در فهرست‌نگاری است *طبقات اعلام شیعه* است که دایرةالمعارفی بی‌بدیل است، این منبع در بازه ده مجلد تهیه شده که هر سده در یک جلد گنجانده شده است؛ از قرن چهارم هجری مهشیدی تا قرن چهاردهم مهشیدی. بیست و یک کتاب و رساله عظیم و مؤثر از حضرت علامه نشان‌دهنده دانش وسیع این مرد بزرگ است.



دکتر عبدالحسین حائری



علامه جلال‌الدین همایی



شیخ محمدحسن آقابزرگ طهرانی

۲- استاد علامه جلال‌الدین همایی

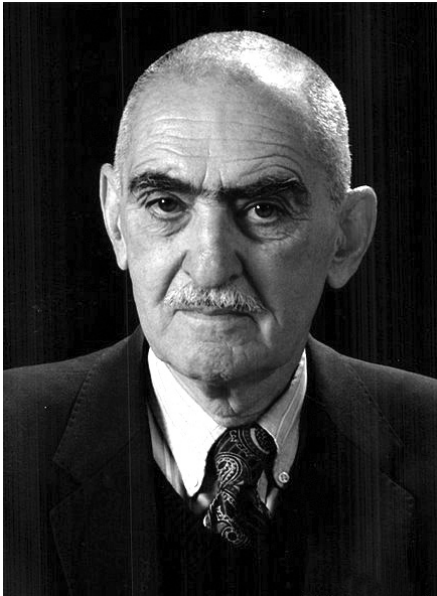
استاد همایی نویسنده آثار فراوانی است که هر یک از نوشته‌های آن استاد گوشه‌ای از کمبودهای عصر ما را پر کرده است. او ادیب و شاعر، تاریخ‌نگار، اصفهان‌شناس، نسخه‌شناس و کتاب‌شناس بزرگ دوران معاصر بود، کسی که *مصباح‌الهدایه* و *مفتاح‌الکفایه* عزالدین محمود کاشانی را تصحیح کرد که الحق تبلیغات گرانمایی بر آن نوشت. او که *تاریخ ادبیات ایران*، *تفسیر بر مثنوی مولوی*، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، *مولوی‌نامه*، *اسرار و آثار واقعه کربلا*، *تصحیح دیوان عثمان مختاری* با حاشیه‌ها و تعلیقات عالمانه، *مختاری‌نامه* و *التفهیم صناعه التنجیم* بیرونی که روش‌های تصحیح هر یک متفاوت و متناسب شرایط کتاب است و پژوهش ارزنده *تصوف در اسلام*، *تاریخ علوم اسلامی و غزالی‌نامه* که حکایت از اطلاعات وسیع و احاطه عظیم آن استاد دارد و از همه اینها جالب‌تر و بسیار شگفت‌انگیزتر اینکه عالمی با آن همه آثار ادبی و دینی و تاریخی کتابی با عنوان *تاریخ اصفهان* می‌نویسد که موضوعات و مندرجات آن: تاریخ، جغرافیا، رجال، ابنیه و معماری و مقابر و بقعه‌ها و حتی زبان مردم اصفهان و عادات آداب و رسوم آنان از قدیم‌ترین آثار که تا زمان حاضر را به صورتی بسیار عالمانه طبقه‌بندی کرده و نگاشته است؛ هر چند که تدوین‌های بعد از رحلت ایشان آن‌گونه که باید باشد صورت گرفته، ولی اصل کار بسیار ارزنده است. ایشان کتابت مفصلی به نام *ابوریحان‌نامه* نوشته است که اولین بار توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید و آراء و افکار و تحلیل‌ها و اخبار بیرونی را شرح و تعلیق کرده است که راهگشای نه‌تنها اهل تاریخ و جغرافی است، بلکه فلاسفه را نیز راهنمایی می‌کند. استادی که دستور زبان مستقلی نگاشته است، اما مشارکت جدی در تدوین و تعریف دستور زبان پنج استاد داشته است. استاد دکتر مهدی محقق در *همایی‌نامه* او را از استوانه‌های شعر و ادب و فرهنگ و تمدن ایران‌زمین و یکی از بزرگان اهل علم جهان می‌نامد. استاد همایی کسی است که نوشته‌هایش دستمایه اصلی بزرگان هم‌زمان اوست. در *غزالی‌نامه* چنان عمق و عظمتی وجود

دارد که غزالی پژوهان بزرگ در جای جای کتاب‌های مهم خود درباره غزالی از او بهره‌ها برده‌اند و ذکر کرده‌اند، که بیانش در این مقال نمی‌گنجد. حال این پرسش مطرح است که دانشمندی با این همه آثار فاخر و آرای قابل اعتنا برای بزرگان در علوم مختلف باید کتابشناس، مرجع و منبع‌شناس بزرگ به اهل تأمل و تفکر و تأمل باشد، یا نه؟ آیا می‌تواند بدون غور در اقیانوس نوشته‌های خطی، سنگی و چاپی به این پایه از مقام علمی دست یابد؟ هرگز، چنین رویدادی رخ نخواهد داد و فرد نگارنده محقق نخواهد شد مگر با گشت و گذار در پهنه‌های بی‌پایان در دشت‌های علوم و فنون، تا نکات و عبارات غامض و پیچیده را برای اهل علم از یک طرف و گوشه‌های نارسیده و ناروشن تاریخی را از طرف دیگر نور ببخشد و روشنگری کند، ایشان نیز از بزرگان کتابشناس، مرجع پژوهان و منبع‌نگاران بنام عصر است.

۳- استاد دکتر عبدالحسین حائری

استاد حائری فهرست‌نگار، نسخه‌پژوه، نسخه‌شناس و کتابشناس بزرگ و مجتهدی مسلم بود. سطوح فقه و اصول را تا عالی‌ترین مرحله نزد آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که پدر بزرگ مادری‌اش بود، گذرانید. او در کودکی مقدمات عربی و خواندن قرآن و نوشتن و خواندن فارسی را نزد پدر آموخته بود. دیگر استادان او آیت‌الله عظام حاج شیخ مرتضی حائری، حاج شیخ محمد صدوقی و حاج سید محمدرضا گلپایگانی بوده‌اند. تا ۲۴ سالگی به درجه اجتهاد رسید. نزد محمدتقی خوانساری، حاج سید صدرالدین صدر، حاج سید محمد حجت و حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی تمامی دروس خارج فقه و اصول و فقه و اصول را گذراند، ایشان پس از این دوره به تهران آمد و با آقای احمد تفضلی معاون کتابخانه مجلس (در سال ۱۳۳۱) آشنا شد و به دعوت ایشان نسخه‌های خطی موجود در آن کتابخانه را سامان بخشید و شروع کار نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری ایشان از آن زمان است. این اتفاقات میمون و مبارک باعث شد که او تا پایان عمر به کار بررسی نسخه‌های خطی و رده‌بندی و طبقه‌بندی آن به‌ویژه حفظ و حراست از این گنجینه‌های مهم و با ارزش زبان و ادبیات و فرهنگ و تمدن ایران زمین اشتغال داشته باشد.

بسیار نسخه‌های خطی که به دست این استاد بزرگ از نابودی نجات یافت و ترمیم و بازسازی شد و من به چشم خود شاهد آن همه نسخه‌ها بودم که در تالار کتابخانه مجلس خود حضرتشان نشانم دادند و برایم به‌طور مفصل گفتند که طریقه علمی بازسازی و حفظ و نگهداری نسخه‌ها از نظر دما و شیوه دسترسی را با چه حساسیتی پی‌ریزی کرده‌اند و چون در دهه شصت خورشیدی بود و دغدغه مسؤلان کشور، جنگ و امور کشورداری و مشکلات سیاسی بود، ایشان با چه مشقتی و صرفاً با اعتبار شخصی امور مالی کتابخانه و مخارج سنگین آن را تأمین می‌کنند و تمامی نسخه‌ها را شخصاً با نظارت خودشان به زیرزمین وسط میدان بهارستان انتقال داده بودند و یک روز گرم تابستان در سال



استاد ایرج افشار



استاد جمشید مظاهری (سروشیار)

۱۳۶۵ که سالی بسیار به یادماندنی و مهم در زندگی من است، ایشان وقتی که هنوز یک ساعتی از رسیدن من به تالار و اتاق مدیریت نگذشته بود مرا به آن زیرزمین بردند و یکی دو نسخه از اشعار عراقی را هم با خودشان آوردند و با احتیاط کامل زیراکس کردند و به من دادند و آن روز که بسیار شیرین بود، روز مرگباری برای یک دانشجوی رشته ادبیات شد که آمدم در دفتر استاد و به ایشان خبر رسید که کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان آتش گرفته است و من و استاد هر دو گریه کردیم. من نسخه‌ها را برداشتم و با عجله خودم را به ترمینال جنوب رساندم و از عصر گذشته بود، نزدیک غروب به اصفهان رسیدم و با شتاب آمدم در دانشکده و وقتی که جنازه‌های معصوم سیاه‌شده روزنامه‌ها و کتب چاپ سنگی و دیگر کتاب‌ها را در راهرو کریدور دانشکده دیدم، فقط زار زار گریه می‌کردم و سراغ استاد مظاهری را می‌گرفتم که با قد بلند و ترکه و دلپسند استاد روبه‌رو شدم. استاد به احساسات خود مسلط بودند، رنگ پریده مرحوم صالحی هم مرا آشفته‌تر کرد و همه مسؤولیت به گردن آقای صالحی افتاده بود که بسیار ناراحت و متوخش بود.

در هر صورت استاد حائری که یک دانشجوی سال دوم ادبیات را تا این حد تحویل می‌گرفت، می‌شود قضاوت کرد که با پژوهشگران بنام و بزرگ چه رفتاری داشته است. هر نسخه‌ای را که از نسخه‌های سبک هندی، سبک عراقی مثل نسخه *زادالمسافرین*، نسخه *اسرارالتوحید*، نسخه‌هایی را که آقای دکتر خانلری در حافظ استفاده کرده‌اند که آن روز بسیار سوژه داغ مباحث حافظ‌شناسی بود، ایشان محلش را می‌دانست و اعتبارش را شرح می‌داد و اصالت و عدم اصالت هر یک را بیان

می‌داشت. مباحث میان ما عمدتاً راجع به نسخه‌های خطی ایا صوفیه و توپ قاپوسرای و یا رامپور یا دهلی و پنجاب و امثال ذلک بود، زیرا کشورهای اروپایی که من مکاتباتشان را دارم هیچ نسخه‌ای ارسال نمی‌کردند. استاد حائری یک کتابشناس، نسخه‌شناس، شیوه‌نامه‌نگار پژوهشی و راهنمای مجسم پژوهشگری بود. کثرت اطلاع و خبرویت بی‌نظیر او در اولین برخورد کاملاً مشهود بود.

۴- استاد ایرج افشار

فهرست‌نگار و پژوهشگر فرهنگ و تاریخ ایران، ادبیات فارسی، ایران‌شناس، کتابشناس، نسخه‌پژوه، نویسنده و استاد دانشگاه در خارج و داخل کشور بود. در دانشگاه تهران و در بُرن سوئیس، ساپور و ژاپن تدریس کرد. او بنیانگذار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود، او پدر کتابشناسی ایران نامیده شده است. پژوهش‌های او در زمینه‌های: کتابشناسی، کتابداری، تاریخ، جغرافیا، جغرافیای تاریخی، فرهنگ مردم، فهرست مقالات فارسی و تصحیح متون و نسخه‌های خطی است. استاد ایرج افشار اگر در حوزه تاریخی کارهایی انجام داده نشان از این است که نقاط کور تاریخ را بیان کرده است. از دیگر آثار استاد، *سفرنامه عهد حسام* که سفر به لرستان و خوزستان بوده است و استاد پادریان کُرمی شیبانی *تاریخ هرات* را نگاشته است که پیشگفتار آن از استاد است. استاد افشار آثاری از قبیل:

- ۱- پژوهش‌های *ایران‌شناسی*، نامواره دکتر محمود افشار. ۲- *دفتر تاریخ*. ۳- *ریاض الفردوس خانی*.
- ۴- *فرهنگ ایران زمین*. ۵- *نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده*. ۶- *یادداشت‌های قزوینی*. ۷- *سائل پاریسیه*. ۸- *نامه‌های تهران*. ۹- *گلگشت در وطن* (سفرنامه). ۱۰- *فهرست دستنویس‌های فارسی*، در کتابخانه ملی اطریش و آرشیو دولتی اتریش در وین. ۱۱- *زندگی طوفانی خاطرات سید حسن تقی‌زاده*. ۱۲- *روزنامه خاطرات امین لشکر*، تألیف میرزا قهرمان امین لشکر به همت ایرج افشار. ۱۳- *مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان*، تألیف عبدالحسین میرزا فرمانفرما به کوشش ایرج افشار. ۱۴- *خاطرات دیوان بیگی*، (میرزا حسن خان) تألیف میرزا حسن خان به کوشش ایرج افشار. ۱۵- *کتابشناسی فردوسی و شاهنامه*، (از آغاز تا سال ۱۳۸۵) ۱۶- *چهل سال تاریخ ایران*، تألیف محمد حسن خان اعتمادالسلطنه به اهتمام ایرج افشار و پژوهش نخستین *کتابشناسی ملی ایران* که توسط ایشان منتشر شد. باید گفت که این پژوهشگر و کتابشناس و نسخه‌شناس برجسته حدود ۳۰۰ جلد کتاب و نزدیک به دو هزار مقاله در معتبرترین مجله‌های ایران و جهان انتشار داده است. اینها مثنی است نمونه‌ای از انبوه اطلاعات و دانسته‌ها و نزدیک ۶۵ سال کار بی‌دری و مطالعه و تحقیق اساسی. وسعت اطلاعات این پژوهشگر بزرگ، جویا و پویا بودن او است در عرصه‌های کتاب، مطالعه، نسخه‌های خطی و جست‌وجو که اسطوره‌ای بسیار عظیم از شخصیت و منش علمی او ساخته است. درباره این استاد بزرگ و افکار و اندیشه‌های والای او کتاب‌ها باید تدوین کرد و فهرست‌ها نگاشت و شرح و بسط داد که همه‌اش قطره‌ای است از دریای بیکران

فضایل و معارف این مرد بزرگ که در تاریخ و فرهنگ و هنر و تمدن و ادبیات ایران ماندگار و پاینده خواهد بود. او یک فهرست‌نگار بزرگ و عظیم بود.

۵- استاد جمشید مظاهری (سروشیار)

استاد مظاهری یک کتابخانه عظیم سیار بود. او علاوه بر اطلاع دقیق و وسیع از اتفاقات مهم و اساسی در حوزه پژوهش محققان بزرگ کشور، از منابع اساسی و مراجع و مآخذ مفید و مؤثر در رشته‌های علوم انسانی (تاریخ، ادبیات، زبان عربی و پهلوی، رمز و راز حوزه‌های معماری باستانی و...) بسیار عمیق اطلاع داشت. یکی از ویژگی‌های اساسی این استاد بزرگ کتابشناس، نوگرایی و عدم گرایش به کلیشه بود. او نسخه‌شناسی بی‌نظیر بود، ادیب تاریخدان و مسلط به متون نظم و نثر فارسی از خاقانی، ناصر خسرو، نظامی و سنایی گرفته تا متون عرفانی همچون *رساله قشریه*، *اخلاق ناصری*، رساله‌های غزالی و عین‌القضات همدانی. ایشان علاوه بر تسلط بر متون نظم و نثر فارسی، اصفهان‌شناسی بی‌بدیل، نکته‌سنج و گره‌گشا بود. همه دوره‌های معماری اصفهان را با علایم علمی و متقن می‌شناخت و همه آثار نظم و نثر اصفهان و شخصیت‌های بزرگ علمی و فقهی و اصولی و عرفانی و هنری و حتی شاهان و فرزندانشان را هم به خوبی معرفی می‌کرد. وسعت اطلاعات این مرد بزرگ قابل مقایسه با آثاری که در طول عمر شریف خود از او به جای مانده است، نیست. او الحق کتابخانه‌ای سیار و با عظمت بود که از یک نمونه پژوهش گاهی تا چند مشابه را بیان می‌کرد و حتی به تحلیل آنها می‌پرداخت. او به زبان عربی به شکل حیرت‌آوری مسلط بود و مطالعات استاد به‌روز و در سطحی عالی صورت می‌گرفت و علت آن روابط عمیقی بود که با حوزه‌های نشر و کتابفروشی‌ها داشت و گاهی ناشران و کتابفروشان خود را موظف می‌دانستند که محصول علمی‌شان را به دست استاد برسانند و از این بالاتر مؤلفان و مصنفین و پژوهشگران برجسته کشور بودند که از پژوهش‌های خود از بدو امر ایشان را مطلع می‌ساختند و روح بلند و جویا و پویای این استاد از این اقیانوس بیکران همواره تمطع می‌جست و سیراب می‌شد و پدید آمدن چنین قامت بلندی ناشی از همین رویکردی بود که از سال پنجاه خورشیدی تا لحظه مرگ ادامه یافت و استاد در نسخه‌شناسی شناخت و اهمیت شعر و نثر و هرگونه پدیده ادبی و تاریخی بی‌نظیر بود. او هر پدیده‌ای را موشکافانه نگاه می‌کرد و ریزبین و بادقت بود. نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های کشور را می‌شناخت و بر اهمیت هر یک از آنها وقوف کامل داشت و از همه مهمتر به هر شاگردی متناسب با روحیات و سلاقی او صاحب اثر و نسخه‌هایش را معرفی می‌کرد و این شیوه سخاوتمندانه باعث احیای بسیاری از نسخه‌ها شد و چه بسا صاحبان قلم که متروک و مجهول مانده بودند، در طول عمر پژوهشی شریف پنجاه‌ساله این استاد در عرصه‌های ادبیات و تاریخ و امثال ذلک مطرح شده و احیا شدند. نکته بسیار مهمی که در شیوه استاد

بود، شناخت نسبت به ناقدان ادبی و زبان‌شناسان غربی بود که اولین بار در دهه شصت نام رنه ولک، نوآم چامسکی، کارل گوستاو یونگ را از ایشان شنیدم. هر یک از اینها که در زبان‌شناسی و ساختارگرایی زبان و حتی در بخش‌هایی از دستور (نحو) زبان‌ها تأثیر فراوانی داشته‌اند. ایشان همچنین در حوزه‌های صرف و نحو فارسی، آواشناسی، واج‌شناسی، کاربردشناسی، رده‌شناسی زبان استاد مسلم بود.

منابع

- درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی، ۲، ص ۴۱۲.
- مقالات کنگره آخوند خراسانی، ج ۸، ص ۳۴۴.
- زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ طهرانی، سید محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
- زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- آقا بزرگ تهرانی، اقیانوس پژوهش، محمد صحتی سردودی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
- «شرح حال استاد جلال‌الدین همایی»، قلم خود ایشان، «نشریه ادبیات و زبان‌ها»، مجله وحید، ۴۴، ش ۱۹.
- «همای ادب، گذری بر حیات استاد دانشمند مرحوم جلال‌الدین همایی»، نویسنده محمدحسین ریاحی، نشریه علوم اجتماعی فرهنگ اصفهان، تابستان ۱۳۷۵، ش ۴.
- همایی‌نامه به اهتمام دکتر مهدی محقق، مقاله دکتر محمد خوانساری با عنوان «زندگینامه استاد جلال‌الدین همایی»، انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی (شماره ۲)، تهران، زمستان ۱۳۵۵.